

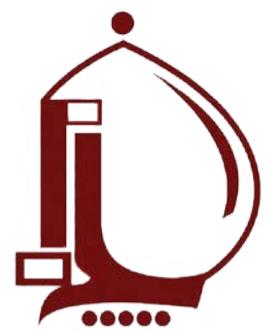
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
يَا بَنِي إِلَهُ الْعَالَمُوْقَرُ

www.roteed.net

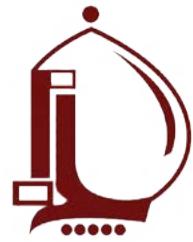


دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

خبرنامه اطلاع رسانی داخلی  
دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم  
ویژه نامه شهادت امام محمد باقر (ع)



امام باقر(عليه السلام) فرمودند:  
تبسم الرجل في وجه أخيه المؤمن حسنة؛  
لبخند آدمی به روی برادر دینی اش حسن است.



## زمزمه باقر العلوم(ع) با رب

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبُّ حَقًّا سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبَّ تَعَدُّدًا وَ رَقًا  
اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلَيْ ضَعِيفٌ فَضَاعَفْتُهُ لِي اللَّهُمَّ قَنِيْ عَذَابَكَ يَوْمَ تَبَعَّثُ  
عِبَادَكَ وَ تُبَعَّثُ عَلَى إِنْكَ أَنْتَ التَّوَابُ الرَّجِيمُ.  
»خدایا تو پاک و منزه هستی و حقیقتا که پروردگار منی، خداها  
 فقط برای تو از روی عبودیت و بندگی سجده می کنم، پروردگار!  
 عمل من ناچیز است، آن را برایم زیاد گردان، خداها در روزی که  
 بندگانت مشهور می شوند مرا از عذاب نگه دار و توبه ام را پذیر،  
 همانا که تو بسیار توبه پذیر و مهربانی.«  
(کافی، کلینی، ج ۳، ص ۳۲۳)

### طلوع نور علم

پدر بزرگوار امام محمد باقر(ع)، حضرت زین العابدین(ع) و مادر ایشان فاطمه معروف به «أم عبدالله» دختر امام حسن مجتبی(ع) می باشد. از این رو، آن حضرت از تاجیه پدر و مادر به بنی هاشم منسوب است. امام(ع) در سال ۵۷ هجری قمری در مدینه متولد شد و در سال ۱۱۴ هجری به شهادت رسید. (کافی، کلینی، ج ۱، ص ۴۶۹)  
مادر امام(ع)، بانوی با فضیلتی بود که ایشان مادرشان را این گونه توصیف کرده است: «روزی مادرم کنار دیواری نشسته بود، ناگهان دیوار ریزش کرد و در معرض ویرانی قرار گرفت، مادرم دست بر سینه دیوار نهاد و گفت، به حق مصطفی (ص) سوگند، اجازه فروریختن نداری. دیوار بر جای ماند تا مادرم از آن جا دور شد. سپس دیوار فرو ریخت. (اثبات الوصیه، مسعودی، ص ۱۷۶)  
اسم ایشان محمد با کنیه ابو جعفر است که جز این کنیه، دیگری برای ایشان نقل نشده است. (بحار الانوار، مجلسی، ج ۴۶، ص ۲۱۶)  
امام به القابی از قبیل باقر، شاکر، هادی (احفاق الحق و إلهاق الباطل، شوشتری، ج ۱۲، ص ۱۶۵)، الأمين و شبیه به رسول خدا(ص) (مسند الإمام الباقر(ع)، العطاردی، ج ۱، ص ۱۲) شهرت دارد.

از میان القاب فوق، لقب باقر از سایر مشهورتر می باشد و معانی مختلفی برای آن ارائه شده است. نمونه هایی از تعاریف عبارتند از: امام را به دلیل گستردگی معارف و اطلاعاتی که در اختیار داشته است و بدان جهت که در نتیجه سجده های بسیار، پیشانی فراخ گشته بود. به این لقب می خوانند. (تذكرة الخواص، ابن جوزی، ص ۳۰۲)  
در مورد همسران امام می توان به ام فروه دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر و ام حکیم دختر اسید بن غیره تقیه اشاره کرد. (بحار الانوار، مجلسی، ج ۴۶، ص ۳۶۶)  
در شمار فرزندان امام(ع) نیز اختلاف است برخی سه پسر و یک دختر (بحار الانوار، مجلسی، ج ۴۶، ص ۳۶۶) و برخی هفت فرزند برشمردند. (مناقب آل أبي طالب(ع)، ابن شهر آشوب مازندرانی، ج ۴، ص ۲۱۰)

زندگی و سیره امام محمد باقر(ع) سرشار از وحدانیت، بزرگی،

تقوا، صبر، حلم، مردم داری، قرآن محوری و ... می باشد. که در

سطرهای این نوشتار نمی تجد و الفاظ توان به تحریر درآوردن این

امام(ع) در ابعاد علمی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی پرداخته می شود.

### بعد علمی

#### ۱. شهرت به باقر العلوم

اوایل علم و دانش امام چنان در میان مردم پیچیده بود که وی را «باقر» نامیدند. در زبان عرب آن حضرت به باقر شهرت داشت. چون علم را می شکافت و اهل آن را می شناخت و شاخه های علم را گسترش و توسعه داد. در زبان عرب نیز «تقر» را معنی توسع «گسترش داد» آمدید است. (زندگانی باقر العلوم حضرت محمد بن علی، مدرسی، ص ۳۳)

همچنین در بیان عظمت و جایگاه امام(ع)، پیامبر(ص) به جابر بن عبد الله انصاری فرمود: «إِنَّكَ سَنُدُرُكَ رَجُلًا مِنْ أَسْمَهُ أَسْمِيَ وَ شَمَائِلُهُ شَمَائِلِيَ يُقْرَرُ الْعَلَمُ بَقْرًا»، «ای جابر! تو مردی از خاندان مرا درک خواهی کرد که همنام و هم شمایل من است. او سرچشم های علم و دانش را می شکافد و به دیگران توضیح داد و تفسیر می کنده». (کافی، کلینی، ج ۱، ص ۴۶۹)

#### ۲. ارتقای علمی - فرهنگی

در زمان امام(ع) با گسترش روز افزون اسلام و پناه آوردن کشورهای متمدن به اسلام، احتیاج به تبیین فکر و ایده اسلامی رخ می نمود. بنی امیه نیز در اوج قدرت بودند و به تسلط خود اطمینان داشتند، به همین جهت به شخصیت فرهنگی مثل امام میدان عمل دادند تا این که در او اخیر عمر حضرت(ع) نیز بنی امیه به ضعف گراییدند و اختلافات اغزار شد. امام از این شرایط برای بیان اسلام ناب و سوق دادن جامعه به سوی تقوا، اخلاق و پرورش شاگردان

### سفارشاتی از امام(ع)

#### ۱. دعوت به تقوا

تقوای کی از فضایل و ارزش های اخلاقی است که منشأ رستگاری انسان ها می باشد. تقوا به عنوان یک ملکه درونی سبب می شود که انسان ها از ارتکاب گناه اجتناب نمایند و با مداومت بر این امر، مسیر تکامل را سریعت بپیمایند.

در سیره امامان(ع)، تقوای پیشگی ظاهر است و نسبت به اجرای آن از جانب مردم توصیه و اهتمام داشته اند. همان گونه که جابر از امام محمد باقر(ع) نقل می کند: «مَنْ مَشَى إِلَى سُلْطَانِ جَائِرٍ فَأَمْرَهُ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ وَعَظَهُ وَ خَوْفَهُ كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الْقَلَيْنِ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ مِثْلُ أَعْمَالِهِمْ»، «هر کس به سوی سلطان ستمگری برود او را به تقوای الهی فرمان دهد او را بترساند و موضعه کند، مانند پاداش جن و انس و مانند اعمال آنان را خواهد داشت». (الاختصاص، مفید، ص ۲۶۱)

#### ۲. دعای دسته جمعی

حضرت امام صادق(ع) می فرماید: «هرگاه پدرم را حادثه ای محزن می کرد، زنان و کودکان را جمع می کرد، سپس دست به دعا بر می داشت و آنان آمین می گفتند». (کافی، کلینی، ج ۲، ص ۴۸۷)

#### ۳. حلم امام(ع)

در سیره اخلاقی ائمه(ع) خصلتی تحت عنوان حلم را مشاهده می کنیم که غالباً نسبت به همه مردم به ویژه دشمنان و معاندان داشته اند و از این رهگذر تعداد کثیری به اسلام گرویدند. نمونه ای از این

استفاده کرد و زمینه را برای ایجاد دانشگاه بزرگ جعفری مهیا نمود. (رک: تاریخ زندگانی امام باقر(ع)، حیدری، ج ۱، ص ۱۰)

**۳. فقیهان دانشگاه امام(ع)**  
مکتب امام باقر(ع)، مکتبی دانش پرور بود که از این دانشگاه دانشمندان، عالمان، مفسران و فقیهانی خارج شدند که خود استاد اساتید بزرگی شدند. به گونه ای که فقیه ترین فقیهان دانشگاه شش نفر بودند که همه از اصحاب ایشان بودند. اسامی آن ها زاره بن عین، معروف بن خربود الملکی، ابو بصیر الاسدی، فضیل بن بن اعین، معروف بن خربود الملکی، ابو بصیر الاسدی، فضیل بن بیسار، محمد بن مسلم الطافی، بیرید بن معاویه الجلی می باشد. (مناقب آل أبي طالب(ع)، ابن شهر آشوب مازندرانی، ج ۴، ص ۲۱۱)

**۴. کمیت اسدی و امام**  
روزی کمیت اسدی به محضر امام باقر(ع) شرفیاب شد امام به دلتنگی از زمان این شعر را خواند که:

« ذَهَبَ الَّذِينَ يَعَاشُونَ فِي أَكْنَاهِهِمْ لَمْ يَقِنُ إِلَّا شَاتِمُ أَوْ حَاسِدُ»  
« رَادِمَدَانِيَ كَهْ مَرْدَمْ در پناهشان زندگی می کردند رفتند و جز حسودان با بدگویان کسی باقی نمانده است.» کمیت فوراً پاسخ داد: « وَ بَقِيَ عَلَى ظَهَرِ الْبَسِيْطَةِ وَاحِدُهُ الْمُرَادُ وَ أَنْتَ ذَاكُ الْوَاحِدُ»، «اما بروی زمین یک تن از آن بزرگ مردان باقی است که هم او مراد چهانیان است و تو آن یک تن هستی». (رک: اندیشه قم)

#### ۵. مناظرات امام

یکی از ابعاد فعالیتی امام(ع) در عرصه علمی، مناظرات با افراد مختلف بود که در پایان به پیروزی ایشان، شکست دشمن و حتی اسلام آوردن طرف مورد مناظره منجر می شد.

«عَبْدُ اللَّهِ بْنُ نَافِعٍ» از دشمنان امیر مؤمنان علی(ع) بود و می گفت: اگر در روی زمین کسی بتواند مرا قانع سازد که در کشتن «خوارج نهروان» حق با علی بوده است من بدو روی خواهم آورد. اگر چه در مشرق یا مغرب بوده باشد.

به عَبدُ اللَّهِ گفتند: آیا می پنداری فرزندان علی(ع) نیز نمی توانند به تو ثابت کنند؟ گفت مگر در میان فرزندان او داشمندی هست؟

چون علم را می شکافت و اهل آن را می شناخت و شاخه های علم را گسترش و توسعه داد. در زبان عرب نیز «تقر» را معنی توسع «گسترش داد» آمدید است. (زندگانی باقر العلوم حضرت محمد بن علی، مدرسی، ص ۳۳)

همچنین در بیان عظمت و جایگاه امام(ع)، پیامبر(ص) به جابر بن عبد الله انصاری فرمود: «إِنَّكَ سَنُدُرُكَ رَجُلًا مِنْ أَسْمَهُ أَسْمِيَ وَ شَمَائِلُهُ شَمَائِلِيَ يُقْرَرُ الْعَلَمُ بَقْرًا»، «ای جابر! تو مردی از خاندان مرا درک خواهی کرد که همنام و هم شمایل من است. او سرچشم های علم و دانش را می شکافد و به دیگران توضیح داد و تفسیر می کنده». (کافی، کلینی، ج ۱، ص ۴۶۹)

در زمان امام(ع) با گسترش روز افزون اسلام و پناه آوردن کشورهای متمدن به اسلام، احتیاج به تبیین فکر و ایده اسلامی رخ می نمود. بنی امیه نیز در اوج قدرت بودند و به تسلط خود اطمینان داشتند، به همین جهت به شخصیت فرهنگی مثل امام میدان عمل دادند تا این که در او اخیر عمر حضرت(ع) نیز بنی امیه به ضعف گراییدند و اختلافات اغزار شد. امام از این شرایط برای بیان اسلام ناب و سوق دادن جامعه به سوی تقوا، اخلاق و پرورش شاگردان



**ضرب سکه اسلامی**  
از دیگر اموری که در زمان امام باقر(ع) نسبت به آن اقدام شد، ضرب سکه اسلامی بود که به دستور امام(ع) انجام شد. البته در مورد پیشینه ضرب سکه به دوران قبل هم اشاره شده است و در این دوران عبدالملک بحث ضرب سکه را به دستور امام(ع) انجام داد و قرار شد که در ضرب سکه با سایر مواردی که تا آن زمان در زمینه ضرب سکه اقدام شده بود، تلفیق نشود. (رک: عیان الشیعه، الامین، ج۱، ص۶۵۰)

**زندگی سیاسی**  
آنچه در زندگی امام باقر(ع) و نیز سایر ائمه شایان توجه می‌باشد، این است که ریشه‌های عداوت دشمنان نسبت به امامان(ع) در شخصیت ممتاز، محوریت اجتماعی و بیشتر های سیاسی ایشان بوده است؛ زیرا این عوامل، هنگامی که دست به دست دیدگر دهنده، موجب احساس خطر حاکمان می‌شود. (دانشنامه امام باقر(ع)، جمعی از نیسنگان، ج۱، ص۵۷۳)

در اواخر زندگی امام(ع) بازه زمانی که با خلافت عمر بن عبدالعزیز مقابله بود، عمر با اقداماتی که انجام داد، باعث شدت افشارهای سیاسی، اجتماعی بر شیعیان کاهش باید و فدک به اهل بیت(ع) برگردانده شود. اما اوی همچنان غاصب جایگاه امامت بود(رک: راسخون نت) اما موضع امام(ع) در برابر عمر بن عبد العزیز این گونه بود که از فرصت به دست آمده برای تبلیغ مکتب، نصیحت کارگزاران و اصلاحات امور اقت استفاده کردند. (رک: زندگانی باقرالعلوم حضرت محمد بن علی(ع)، مدرسی، ص۶۱)

تا این که با مرگ عمر بن عبد العزیز، یزید بن عبدالملک خلیفه شد و شدیدترین روش‌ها را علیه شیعه به کار برد و کینه‌ها را نسبت به خاندان علی(ع) آشکار ساختند. در مقطعی دیگر هشام بن عبدالملک زمام فرمانروایی را به دست گرفت که مردی خشن، درشت خو، مال اندوز، ستمگر و بی عاطفه بود. از این جهت دوران او از نظر سیاسی، سخت ترین دوره برای امام(ع) بود و امام به مرکز خلافت احضار می‌شد و سرانجام در این دوره ایشان به شهادت رسید. (راسخون نت)

**جلوه ای از وظایف حاکم اسلامی**  
امام(ع) در طول دوران امامت تمام تلاشش را جهت تبیین و پیاده‌سازی احکام، اصول و معارف اسلامی داشت. از این رهگذر در زمان‌های مختلف به تنبه مردم عصر می‌پرداخت. با این اقدامات انتقاداتش نسبت به حاکمان را نیز ابراز می‌داشت.

نمونه این انتقادات را می‌توان در سخن ایشان پافت که فرمود: «بُنَى الْإِسْلَامِ عَلَى خَمْسَةِ أُشْيَاءٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالرِّكَأَةِ وَالحَجَّ وَالصَّوْمِ وَالْوَلَايَةِ» «اسلام بر پنج چیز بنا شده است: نماز، زکات، حج، روزه، ولایت». زراره پرسید: کدام افضل است؟ فرمود: ولایت برتر است؛ چون کلید آن هاست و ولای راهنمایی کننده برآن هاست. (المحسن، برقی، ج۱، ص۲۸۶)

**غروب زندگی**  
زندگی پر فزار و نشیب باقرالعلوم(ع) در سال ۱۱۴ هجری با شهادت ایشان به پایان رسید و دوران جدیدی از تاریخ امامت رقم خورد. ایشان در قبرستان بقیع در کنار آرامگاه پدرش، امام زین العابدین(ع) و نیز در جوار قبر عمومی پدرش، امام حسن مجتبی(ع) به خاک سپرده شد. (رک: زندگانی باقرالعلوم حضرت محمد بن علی(ع)، مدرسی، ص۸۱-۸۲)

حلم در زندگی امام(ع) در برخورد با مسیحی بوده است. «مردی مسیحی از روی کینه ای که با امام(ع) داشت کلمه باقر را به بقر تغییر داد و به آن حضرت گفت: انت بقر. امام(ع) بدون آن که از خود ناراحتی نشان داده و اظهار عصبانیت کند با کمال سادگی فرمود: نه من بقر نیستم، من باقرا. مسیحی گفت: تو پسر زنی هستی که آشپز بود امام فرمود: «شغلش این بود، عارو ننگی محسوب نمی‌شود». مسیحی گفت: مادرت سیاه و بی شرم و بد زبان بود. امام فرمود: اگر این نسبت ها را که به مادرم می‌دهی راست است خدا او را بیامزد و از گناهانش بگذرد و اگر دروغ است از گناه تو بگذرد که دروغ و افTRAستی. پس او اسلام آورد». (مناقب آل ابی طالب(ع)، ابن شهر آشوب مازندرانی، ج۴، ص۲۰۷)

#### ۴. انفاق جوانمردانه

حسن بن کثیر می‌گوید: «از تهیه‌ستی و جفاکاری برادران ایمانی نزد امام باقر(ع) شکایت کردم، حضرت فرمود: برادر بدی است برادری که هنگام بی نیازیت به تو توجه داشته باشد و زمان تنگدستی ات با تو قطع رابطه کند! سپس به غلامش فرمان داد تا کیسه ای که هفت‌صد درهم در آن بود به من داد و فرمود: این را هزینه کن و هنگامی که به پایان رسید مرا خبر ده». (روضه الاعظین و بصیره المتعظین، نیشاپوری، ج۱، ص۲۰۴)

#### ۵. رفع مشکلات

امام(ع) در زندگی فردی و اجتماعی خود به مشکلات اطرافیان توجه داشته و در جهت رفع آن‌ها اقدام می‌کرد. این رفتار ایشان مصدقی از رفتارهای انسانی بود که در تاریخ و سیره زندگی ایشان ثبت شده است.

از عمر بن دینار و عبیدالله بن عیید بن عمير نقل شده است: «اللَّهُ أَبَا جَعْفَرِ مُحَمَّدَ بْنَ عَلَىٰ عَلَيْهِ الْحَمْدُ وَالْكَسْوَةُ وَيَقُولُ هَذَا مُعَدَّةً لَكُمْ قَبْلَ أَنْ تَلْقَوْنِي»، «هرگز به دیدار ابی جعفر(ع) نشتابیم، مگر این که به ما امکانات زندگی، هدایای مالی و پوشاش عنایت می‌کرد و می‌فرمود: این‌ها را پیش از این که به دیدار من آمید، برای شما مهیا کرده بودم». (بحار الانوار، مجلسی، ج۴۶، ص۲۸۸)

#### ۶. عدم درخواست از مردم

«إِنَّ اللَّهَ كَرِهُ إِلَحَاحَ النَّاسِ بِتَضَعِّفِهِ عَلَىٰ بَعْضِهِ فِي الْمُسَأَلَةِ وَأَحَبُّ ذَلِكَ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ يُحِبُّ أَنْ يُسَأَلَ وَيُطَلَّبُ مَا عَنْهُ»، «خداؤند دوست ندارد که مردم در خواهش از یکدیگر اصرار ورزند، ولی اصرار درخواهش از خودش را دوست دارد». (بحار الانوار، مجلسی، ج۷۵، ص۷۵)

#### ۷. گذر از دنیا

دنیا، منزلگاه موقتی است که آدم باید چند صباحی را در آن به تلاش، سازندگی و خودسازی پردازد و توشه لازم را بر دارد و امداده سفر طولانی شود. امام باقر(ع) در گذرا بودن دنیا مطلبی را بیان کردنده که حکمت های زیادی در آن نهفته است و در ادامه به سخنی از پیامبر(ص) استناد کرده است.

امام(ع) فرمود: «دنیا را مانند کاروان‌سرای فروگذار که پیامبر(ص) فرموده: «مَثَلُ مَنْ وَدَنِيَا مُثَلُ سَوَارِيِّي» است که ساعتی زیر سایه درختی فرود می‌آید و سپس بر می‌خیزد و از آنچا می‌رود». (احراق الحق و ازهاق الباطل، شوشتاری، ج۱۲، ص۱۷۲)

#### ۸. چهار گنج

«أَرْبَعَ مِنْ كُنْزِ الْبَرِّ كَتْمَانُ الْحَاجَةِ وَ كَتْمَانُ الصَّدَقَةِ وَ كَتْمَانُ الْوَاجِعِ وَ كَتْمَانُ الْمُصَيْبَةِ»، «چهار چیز از گنج‌های نیکی است: نهان داشتن حاجت، پنهان نمودن صدقه، پوشیده داشتن درد و نهان کردن مصیبت». (بحار الانوار، مجلسی، ج۷۵، ص۱۷۵)

#### ۹. معجزه سیب و سنگ

در کتاب منتهی‌الامال و سایر متون معجزاتی برای حضرت(ع) ذکر شده که در این نوشتار به ذکر یک مورد اکتفا می‌شود. از جابرین یزید نقل شده که: «در خدمت امام محمد باقر(ع) بیرون شدم. گاهی که آن حضرت آهنگ حیره داشت، چون به کربلا مشرف شدم به من فرمود ای جابر «هَذِهِ رُؤْسَةُ مِنْ رِيَاضِ الْحَجَّةِ لَنَا وَلِشِيعَتِنَا، وَ حُفَرَةُ مِنْ حُقْرَةِ جَهَنَّمِ لِأَعْدَانِنَا»، «این زمین برای ما و شیعیان ما بوسنانی است از بوسنانی های بهشت و برای دشمنان ما حفره ای است از حفره های جهنم» و پس از آن متهنی شد به آن جا که اراده داشت. آن گاه به من روی کرد و گفت: ای جابر، عرض کردم: لبیک سیدی، فرمود: چیزی می‌خوری؟ عرض کردم، بلی یا سیدی. پس دست ایام بکش را میان سنگ ها داخل کرد و سیبی از برایم بیرون آورد که هرگز به آن خوشبوئی ندیده بودم و به هیچ وجه با میوه های دنیا شباخت نداشت و گفتم